

پنجشنبه، ۸ شهریور ۱۳۸۶
۱۳۰۷ و ت ۲۰۰۷

کارگر کمونیست ۶۶

دو هفته یکبار، پنجشنبه، منتشر میشود

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران - درباره مسائل جنبش کارگری

kargar_komonist@yahoo.com

www.wpiran.org/kk-index.htm

فراخوان ۲۶ نفر از زندانیان سیاسی برای اقدام جهانی در ۷ سپتامبر (۱۶ شهریور)

صفحه ۲

زمستان گرم ۸۶

در باره معلمان و خواستها و مبارزه آنان

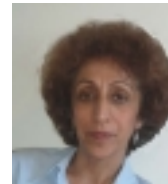
دست زده بود، اینک با نزدیک شدن به آغاز سال تحصیلی با اعتراضات اجتماعی معلمان رو به روست. فراخوان برخی تشکلهای تجمع در ادارات آموزش و پرورش و تجمعات اعتراضی معلمان حق التدریسی در برابر مجلس نشانه های شروع مجدد

صفحه ۳

اعتراضات ادامه داشت، اما بنا به ماهیت دوره کاری معلمان که عموماً در پائیز و زمستان جریان دارد، این اعتراضات در سطح تشکلهای فعالین محدود ماند.

حاکمیت که با استفاده از این اوضاع به صدور احکام اخراج و تبعید و زندان فعالین شناخته شده

مرتضی فاتح از ایران با نزدیک شدن به فصل بازگشائی مدارس و شروع سال تحصیلی، بار دیگر تحرکات اعتراضی معلمان در مقیاسی اجتماعی خودنمایی میکند. اگر چه در طول تعطیلات تابستانی نیز این



به فراخوان زندانیان سیاسی پاسخ دهیم

هفت سپتامبر روز اعتراض به زندان و اعدام

شهلا دانشفر

مردم را که هر روز گسترده میشود، را دارد، فضای جامعه را تا همینجا عوض کرده است و تاثیرات انکار ناپذیری بر جنبش آزادیخواهی در جامعه دارد. جالب اینست که این بار این زندانیان سیاسی هستند که در صف جلوی مبارزه علیه این سرکوب و این بربریت قرار گرفته اند.

صفحه ۴

فراخوان به اقدامی جهانی در هفتم سپتامبر (۱۶ شهریور) از سوی زندانیان سیاسی علیه اعدام و فشار به زندانیان سیاسی اقدامی تاریخی و بی نظیر است. این اقدام درست در زمانی که رژیم با سرکوب و تهدید و زندان و شکنجه و با برپا کردن طناب های دار در ملا عام، قصد عقب راندن اعتراضات



ناصر اصغری

ضربات فرقه گراها به پیشروی مبارزات کارگران

است. امروزه اما این واژه توسط گروه دیگری چنان جا و بیجا بکار برده می شود که حتی توجه چندانی

صفحه ۵

کسان دیگری با در دست گرفتن آن، این بار از در دیگری و اتفاقاً با به کارگیری تعریف خود ما، اما واژگونه، وارد میدان شدند.

اگر فعال و یا گروه و حزبی از خواسته خود کوتاه نیامده و بر آن مصمم بوده و پافشاری کرده است، توسط طرفداران عامیانه اتحاد "همه با هم" مارک "فرقه گرایی" خورده

آنچه که در بین محافل و گروه های حاشیه ای چپ سنتی، چه کارگری و چه روشنفکری آن، به معنای "فرقه گرایی" و "سکتاریسم" رواج یافته است، ابتدا ربطی به فرقه گرایی و سکتاریسم ندارد. آنجا که حمله به کمونیسم با این واژه و مقوله را برای اهداف "همه با همی" به نقد کشیده و به حاشیه رانندیم،

نگاهی به ایران خودرو و وضعیت خودرو سازها



ایما کارگر ایران خودرو مردم الان عملاً متوقف شده است. قرار است فقط در ایران خودرو ۴۰۰۰ نفر نیرو جذب کند. در سایپا

صفحه ۳

مشترکی است که به جای پیکان قرار است تولید شود و کارخانه آن در جای سالن اصلی پیکان درست شده است. ال پروژه مشترک بین پژو فرانسه و ایران خودرو و سایپا است که دولت اسم آنرا "ایران تندر" گذاشته است و فرانسه لوگان. این پروژه بعد از اعلام افتتاح آن و تحویل ۱۰۰ دستگاه به

در مجتمع ایران خودرو ۳۵ هزار کارگر به کار اشتغال دارند. بعد از تصویب قطعنامه شورای امنیت در مورد تحریم ایران و عدم ارسال قطعات عملاً تولید کارخانه دچار اختلال شده است. "L 90" هنوز به تولید انبوه نرسیده متوقف شده است. حتماً میدانید که ال ۹۰ نام خودروی

قاتلین محترم!

اجرا در می آورند. برای اینکه سود سرمایه پایین نیفتد سرتاسر کره زمین قتل گاه کارگران شده است. هفته ای نیست که خبری از معادن چین به بیرون

صفحه ۹

یاشار سهندی - از ایران حرص و آز سرمایه داران را پایانی نیست. برای رسیدن به سود بیشتر هر آنچه از تصمیمات ضد انسانی است به

با اعتراضی جهانی تهاجم رژیم اسلامی به کارگران و به کل

جامعه را عقب برانیم

نامه کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران به سازمانها و اتحادیه های کارگری جهان

کارگران نیشکر هفت تپه جمهوری اسلامی را عقب راندند

گزارشی از داوود عزیزی - صفحه

صفحه اخبار بین المللی کارگری

نادر احمدی - داوود رفاهی - صفحات ۷-۸

رسانه ها و جنبش آزادیخواهی در ایران

اکبر بویا فراز ایران - صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

فراخوان ۲۶ نفر از زندانیان سیاسی برای اقدام جهانی در ۷ سپتامبر (۱۶ شهریور)

- به نهادهای مدافع حقوق بشر! ما زندانیان اسیر در زندانهای ایران، از همه انسانهای آزاده در سراسر جهان درخواست میکنیم که به موقعیت ما در زندانها توجه کرده و بویژه به اوضاع فعلی ما و خطر انجام اعدامهای گسترده در ایران توجه جدی نمایند. ما از درون زندانها پیام خود را به گوش شما میرسانیم. به این امید که با اقدامات و فعالیتهای خودتان، مانع اجرای احکام گسترده اعدام در ایران شوید.
- اعتراضی کاری کنند که توجه ما در دنیا یکبار دیگر به موقعیت ما جلب شده و از اجرای احکام اعدام جلوگیری کنند. ما زندانیان سیاسی و زندانیان زیر حکم اعدام چشم به انتظار اقدامات شما هستیم. اجازه ندهید فاجعه دیگری در ایران تکرار شود. ما احساس خطر میکنیم و هیچ راهی بجز متوسل به شما انسانهای آزاده نداریم.
- ۱- مصطفی دریانورد (سالن ۱ اندرگاه ۷ زندان اوین)
 - ۲- رضا بابا تبار (سالن ۳ اندرگاه ۷ زندان اوین)
 - ۳- بابک دادبخش (سالن ۳ اندرگاه ۷ زندان اوین)
 - ۴- فرشید بابایی ورزی (سالن ۱ اندرگاه ۷ زندان اوین)
 - ۵- عبدالرضا نجفیان (سالن ۴ اندرگاه ۷ زندان اوین)
 - ۶- حسین اصغری (سالن ۱ اندرگاه ۷ زندان اوین)
 - ۷- بهروز جاوید تهرانی (زندان گوهردشت)
 - ۸- علیرضا کرمی خیرآبادی (زندان گوهردشت)
 - ۹- افشین بایمانی (زندان گوهردشت)
 - ۱۰- سعید سنگر (زندان ارومیه)
 - ۱۱- ساسان بابایی (زندان سنندج)
 - ۱۲- جعفر ملاتکه (زندان نقده)
 - ۱۳- کیوان رفیعی (بند ۷ زندان اوین)
 - ۱۴- محمد حسن فلاحی زاده (بند ۳۵۰ زندان اوین)
- ۱۵- ابوالفضل جهاندار (بند ۳۵۰ زندان اوین)
- ۱۶- یاسر مجیدی (زندان بیرجند)
- ۱۷- علی حیدریان (بند ۳۵۰ زندان اوین)
- ۱۸- فرزاد کمانگر (بند ۳۵۰ زندان اوین)
- ۱۹- اکبر سنجابی (زندان دیزل آباد کرمانشاه)
- ۲۰- پیمان خنجری (زندان دیزل آباد کرمانشاه)
- ۲۱- خالد هردانی (زندان رجایی شهر)
- ۲۲- ناصر خیر الهی (زندان رجایی شهر)
- ۲۳- شهرام پور منصور (زندان رجایی شهر)
- ۲۴- لطیف محمدی (زندان رجایی شهر)
- ۲۵- مصطفی سلیمی (زندان رجایی شهر)
- ۲۶- فرهنگ پور منصور (زندان رجایی شهر)
- این نامه در عین حال به امضا تعداد دیگری از زندانیان رسیده است که اسامی آنها به زودی اعلام خواهد شد. امضا این نامه ادامه دارد.
- ۳ شهریور ۱۳۸۶ برابر ۲۵ اوت ۲۰۰۷
- بازتکثیر از کمیته بین المللی علیه اعدام



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

کارگر کمونیست

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران
درباره مسائل جنبش کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

Email: kargar_komonist@yahoo.com
Fax: 001 309 404 1794

هیئت تحریریه

ناصر اصغری

nasser_asgary@yahoo.com

شاهلا دانشفر

shahla_daneshfar@yahoo.com

یاشار سهندی

y_sahandi@yahoo.com

حسن صالحی

hasan_salehi2001@yahoo.com

Tel: 0046 739 318 404

Fax: 0046 864 897 16

markazi.wpi@gmail.com

دفتر

مرکزی

حزب

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست.

زمستان گرم ۸۶ ...

از صفحه ۱

اعتراضات اجتماعی معلمان در این سال تحصیلی است.

به دلایل زیادی امسال باید در انتظار اعتراضات وسیع معلمان بود. از مهمترین دلایل باید به پاسخ نگرفتن خواسته های آنان در سال گذشته اشاره کرد. اما در جریان اعتراضات سال گذشته معلمان به قدرت و توانائی جمعی و سراسری خود در اعتراض به وضع موجود پی بردند، که این امر میتواند نقطه اتکائی برای حرکات آنان در این سال باشد. شکل گیری تشکلهای مختلف در سراسر کشور و ایجاد سایت های اطلاع رسانی و کانون های محلی، نشانه درک لزوم تشکل یابی و مبارزه متشکل و آگاهی به هم سرنوشتی آنان در جهت دستیابی به خواسته های صنفی و اجتماعی است. این وضعیت نقطه اتکائی اساسی در پیشبرد مبارزه اجتماعی معلمان است که میتواند به سر مشقی برای سایر گروه ها و طبقات تبدیل گردد.

از هم اکنون معلمان قراردادی و حق التدریسی نشان داده اند که تنها با ندیده گرفتن وضعیت استخداسی و موقعیت شغلی است که میتوان با مبارزه ای همگانی به خواسته های اعلام شده دست یافت.

طرح خواسته های مشخص و سراسری

در جریان اعتراضات سال گذشته بخشی از تشکلهای و فعالین با پافشاری بیش از حد بر قانون گرائی و اتکا به جریانات داخل حکومت باعث ایجاد سر درگمی و فرسوده کردن معلمان شدند که برای گرفتن حقوق پامال شده خود به خیابان آمده بودند. اگر چه استفاده از امکانات موجود برای دست یافتن به خواسته ها و پیشبرد اعتراضات امری منطقی است، اما دامنه این اتکا باید از پیش مشخص و مرز های آن تعریف شده باشد. تا به امروز بارها و بارها ثابت شده است که هیچکدام از جناح های حکومت نه فقط امکان مناسبی برای اتکا در اعتراض به وضع موجود نیستند بلکه بازدارنده و عامل سرکوب همه اعتراضات اجتماعی هستند.

از سوی دیگر همین فعالین و تشکلهای با مطرح و محدود کردن خواسته های این جنبش اعتراضی به شعارها و خواسته های نامعلوم و غیر عملی مانند اجرای نظام هماهنگ، که حتی طراحان این نسخه هم اعتقادی به عملی بودن آن ندارند، از شکل گیری و اعلام خواسته های مشخص و قابل

دسترسی مانند افزایش دستمزد متناسب با سطح زندگی و اصلاح ساختار و مدیریت آموزشی جلوگیری نمودند. کمترین ضربه ای که طرح چنین شعار هائی به حرکات معلمان میزند این است که عموم معلمان و کارکنان آموزشی را از روند تصمیم گیری در باره زندگی و وضعیت شغلی شان کنار میگذارد و بهبود در شرایط معلمان منوط به روندی بوروکراتیک و طولانی مدت یا نامعلوم میگردد که معلمان در آن هیچ نقشی ندارند و این نقش به مجلس و دولت و احیانا به چند نماینده از معلمان سپرده میشود.

نتیجه چنین روندی از پیش معلوم است. طرح چنین شعار هائی نه فقط دردی را از زندگی امروز کسی دوا نمیکند بلکه موجب فرسوده کردن و یاس در این جنبش است. چنین خواسته ای عموما از سوی تشکلهای و فعالینی مطرح میشود که در خوش بینانه ترین حالت هنوز هم به جناح بندی های درون حاکمیت دل خوش کرده اند.

اگر قرار است تغییری در جهت بهبود در زندگی فی الحال در جریان پدید آید معقولانه ترین راه طرح خواسته های مشخص و سراسری است که همین امروز بتواند گشایشی در زندگی ایجاد نماید. حواله دادن یک زندگی بهتر و انسانی تر به آینده ای نامعلوم و روندی پر پیچ و خم تنها شعار کسانی است که

بحران بیش از همه این کارگران هستند که صدمه می بینند. کاهش تولید، عدم فروش بعضی از محصولات، عدم برگشت نقدینگی همه و همه صنایع خودرو سازی را با چالش بزرگی مواجه کرده است. واقعیت اینست که امروز مردم برای مسافر کشتی و اشتغال دوم به تهیه خودرو بیشتر روی آورده اند و این خود فروش و عرضه تولید در این صنعت را رشد داده است. اکنون با واگذاری اکثر کارها در کارخانجات ایران خودرو به شرکتهای پیمانکاری خارجی و داخلی سود هنگفتی عاید سرمایه داران و سهامداران آن میشود. بطور مثال پژو فرانسه اکنون

چنین شرایطی معلمان نیز میباید با پشتیبانی از سایر گروه های معترض همبستگی خود را با آنان حفظ نمایند. استفاده از امکانات جهانی و رسانه های مختلف موجب هر چه گسترده تر شدن و در نتیجه تقویت اعتراض اجتماعی معلمان است.

با توجه به وضعیت زمانی کار آموزش و پرورش و محدودیت فصلی کار معلمان، موثرترین تحرکات معلمان محدود به سال تحصیلی است. به همین دلیل باید از تمام سال تحصیلی برای متشکل شدن و تحرکات اعتراضی استفاده کرد. شروع اعتراضات در ماههای پایانی نه فقط باعث محدودیت زمانی و سردرگمی میگردد، بلکه همانگونه که امسال نیز شاهد بودیم ضریب امنیت فعالین شناخته شده را نیز پائین میآورد. با پایان یافتن سال تحصیلی و تعطیلی مدارس و دشواری برقراری ارتباط میان معلمان، حاکمیت در دستگیری و آزار فعالین دست بازتری دارد.

با توجه به وضعیت حاکمیت و در پیش بودن انتخابات حکومتی از یکسو، و تجربه چند ساله اخیر معلمان و آگاهی به ضرورت ایجاد تغییرات اساسی در زندگی کل جامعه از سوی دیگر، زمستان امسال میتواند فصلی گرم و امید بخش باشد.

رو سازی بنز نیز با راه اندازی تاب خودرو با شراکت ایران خودرو و مزدا با خودرو مزدا در شرکت بهمن و شرکت کرده ای دو در کرمان موتور، شرکت نیسان با زامیاد و دهها شرکت کامیون و اتوبوس سازی و دیگر شرکتهای وارد کننده، از جمله شرکت تویوتا و وارد کردن خودروهای لوکس خود در تلاش برای به تصرف در آوردن بازار خودرو ایران هستند. شرکت جری چین نیز با آوردن خودروی ارزان قیمت در بیخ گوش همه این خودرو سازان قرار دارد و در حال بستن قرارداد تولید خود در ایران بویژه با کارخانه ایران خودرو است. بدین ترتیب صنایع خودرو سازی از

نیمی از بازار ایران را بدست آورده است. فروش انواع متنوع آن از جمله خودروی پژو ۴۰۵-۴۰۶ و "آردی" که بیشترین تولیدات ایران خودرو است را میتوان نام برد. علاوه پژو با بدست گرفتن امتیاز قطعه سازی ایران در مقابل امتیازاتی، از رقیب خود رنو جلو زده است. شرکت رنو نیز که عمده ترین شریک تجاری سایپا است بیچاره ننشسته و با بیرون کردن خودروی پیکان و رقبای انگلیسی خود، تولیدات خود را از رنو و رنو و مگان با ایجاد خط ال ۹۰ لوگان به جای پیکان در دل ایران خودرو گسترش داده و حریف همولایتی خود را به چالش فرا خوانده است. خود

برنامه تولید ۱۸۰۰۰ اتومبیل در عرض یک ماه عقب افتاده است. در بعضی قسمتها عملا تولید متوقف است. کارگران صبح می روند سرکار و تا آخر وقت کار ندارند. بورس به شدت افت کرده است و همه سهامداران ناراضی هستند. اجازه بدهید در مورد بحران در صنایع خودرو سازی بیشتر توضیح دهم.

نگاهی به ایران خودرو ...

از صفحه ۱

برنامه تولید ۱۸۰۰۰ اتومبیل در عرض یک ماه عقب افتاده است. در بعضی قسمتها عملا تولید متوقف است. کارگران صبح می روند سرکار و تا آخر وقت کار ندارند. بورس به شدت افت کرده است و همه سهامداران ناراضی هستند. اجازه بدهید در مورد بحران در صنایع خودرو سازی بیشتر توضیح دهم.

بحران در صنایع خودروسازی ایران

امروز صنایع خودرو سازی ایران با یک بحران عمیق روبروست. از این

در شرکت پارس خودرو نیز درست شده است. ۵۱ درصد سهام آن فرانسوی و ۴۹ درصد آن متعلق به دو شرکت ایرانی است. اخیرا مدیر عامل ال ۹۰ از طرف فرانسه از کار برکنار شد. و طهماسبی وزیر صنایع که میدانده نمیتواند با این مساله کاری کند، استعفا داده است. از یک سو عدم ارسال قطعات و از طرفی اصرار دولت بر عدم تولید ماشینهای بنزینی، هم اکنون شرکت را در یک بحران قرار داده است. بطوریکه ما هفته گذشته ۳ روز تعطیل شدیم. طبق آمار خود شرکت

به فراخوان زندانیان سیاسی ...

از صفحه ۱

این اقدام بیانگر واقعیت امروز جامعه ایران است. بیانگر اینست که علیرغم همه فشارها، دستگیریها، زندان کردن ها و شدت دادن به احکام زندان و اعدام، جامعه ایران مرعوب نشده است. این اقدام نشان داد که دیگر شرایط امروز مانند سالهای ۶۰ و ۶۷ نیست که رژیم بتواند دست به چنان کشتاری بزند و انسانهای آزادیخواه بسیاری را در گمنامی و در خفا به جوخه های اعدام بسپارد. امروز زندانیان سیاسی با اسم و رسم خود به جلوی صحنه آمده و دارند جنبش قدرتمند علیه زندان و علیه اعدام را به جلو میبرند. و میگویند اعدام در سراسر جهان باید منع گردد. فراخوان زندانیان سیاسی از درون زندانهای رژیم به جهان با دست داشتن پرچم مبارزه علیه اعدام در سطحی جهانی شیوه ای از یک مبارزه انسانی، رادیکال و مدرن را به نمایش گذاشت. زندانیان سیاسی در فراخوان جهانی خود اعلام داشتند که اعدام ناعادلانه و باید بهر طریق ممکن در ایران و در دنیا ممنوع شود. آنها پرچمدار انسانیت در سراسر جهان شدند. بدین ترتیب حرکت اعتراضی زندانیان سیاسی که اکنون ابعادی سراسری گرفته است، بیانگر وجود یک جنبش قدرتمند برای آزادی

زندانیان سیاسی و علیه اعدام است. این فراخوان بار دیگر نشانگر اهمیت شکل دادن یک همبستگی بین المللی جهانی در حمایت از اعتراضات مردم و عقب راندن رژیم اسلامی این مظهر توحش و تروریسم اسلامی در جهان است. فراخوان زندانیان سیاسی به اقدام جهانی علیه اعدام و فشار به زندانیان سیاسی، اقدامی مهم برای کل جامعه ایران است و باید با حمایت وسیع همه مردم روبرو شود. اقدامی است که صدای اعتراض کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان، زنانی که هر روز تحت عناوین مختلف مورد تعرض قرار میگیرند را نمایندگی میکند. اقدامی است که دارد اعلام میکند که دیگر نه زندان و نه اعدام این جامعه را از خواستها و مطالباتش عقب نمیزند. دارد در مقابل این جامعه برای عقب راندن تهاجم رژیم راه نشان میدهد. باید با تمام قوا از این اقدام حمایت کرد. تا همین جا این حرکت توجه بسیاری از سازمانها و نهادهای آزادیخواه در سراسر جهان را بخود جلب کرده است. این خود فشاری جدی بر روی رژیم اسلامی است. این حرکت بطور قطع جنبش اعتراضی در جامعه را در موقعیت قدرتمندتری قرار خواهد

نگاهی به ایران خودرو ...

از صفحه ۳

یک طرف به یکی از ابزارهای سیاسی دولت تبدیل شده است که از آن برای حمله به رقبای داخلی و خارجی در پی باجگیری است. البته همه میدانند که ایجاد این شرکتها در خارج و ایران با ظرفیت زیر بیست هزار خودرو نه به صرفه است و نه توجیه اقتصادی دارد. ولی دولت خودرو سازان را وادار می کند که حتما این کارها را انجام بدهند. این مساله باعث شده که شرکتهای خودرو سازی نه از جیب خود، بلکه از دستمزد کارگران و سهامداران زده و با استفاده از این بحرانها خود را سرپا نگهدارند. از سوی دیگر بعد از سهمیه بندی

کارگران و بحران خودرو سازی

به طور یقین کارگران شرکتهای خودرو سازی که اکنون تعداد آنها با شرکتها قطعاً سازی از مرز میلیونی گذشته است از امنیت

داد.

اقدام زندانیان سیاسی برای هفت سپتامبر حرکتی از نوع ۱۵ فوریه و ۹ اوت است که از سوی سازمانهای کارگری در سراسر جهان به عنوان روز جهانی در حمایت از کارگران ایران اعلام گردید. اما اینجا تفاوت در اینست که اگر در ۱۵ فوریه و ۹ اوت این فشار اعتراضات کارگران شرکت واحد و کارگران در ایران بود که منجر به چنین روزهای بزرگی از همبستگی بین المللی کارگری با کارگران ایران شد، این بار این زندانیان سیاسی هستند که با اسم و رسم خود جلوی این حرکت افتاده اند و این روز را فراخوان دادند و چنین تحرکی را در سراسر جهان ایجاد کردند. باید با تمام قوا از این اقدام و این حرکت حمایت کرد.

باید به فراخوان زندانیان وسیعاً پاسخ مثبت داد وقتی زندانی در بند حکومت توحش اسلامی فراخوان اعتراض و حرکت سراسری میدهد پاسخ مثبت دادن به آن و تلاش برای اینکه این حرکت به موفقیت برسد بسیار مهم است. انتظار اینست که بخشهای مختلف مردم در ایران به این حرکت بپیوندند و کاری کنند که حکومت اسلامی نیروی عظیم و میلیونی ای را در پشت این حرکت ببیند و جرات تعرض به زندانیان سیاسی را به خود

شغلی بیشتری نسبت به سایر بخش های کارگری برخوردارند. اگر روزی در ایران فقط چند شرکت خودرو سازی وجود داشت و کارگران آن نیز محدود بودند، اکنون با گسترش شرکتها خودرو سازی و شرکتها قطعاً سازی که در دور افتاده ترین شهرهای کشور نیز گسترش یافته اند و نیز با مصرف ورق های ایرانی به جای ورقهای خارجی، خانواده کارگران خودرو سازی بسیار بزرگتر شده و پیوند کاری بیشتری در میان این شرکتها بوجود آمده است. تبادل اطلاعات فنی و نیاز این شرکتها به همدیگر مرزهای عدم ارتباط در میان آنها را از بین برده است. امروز دهها کارگر ایران خودرو با کارگران سایپا در ارتباط هستند. و بطور

ندهد. باید کاری کرد که حکومت ناچار به عقب نشینی شود. هفت سپتامبر یک آزمون مهم برای کارگران و برای کل جامعه است. انتظار این است که در مورد اهمیت اینروز در سراسر ایران کارگران در مجامع عمومی یا به هر طریق جمعی دیگری که ممکن میدانند بنشینند و تصمیم بگیرند. قطعنامه صادر کنند. بیانیه بدهند و با طومارهای اعتراضی شان همبستگی خود را با فراخوان زندانیان سیاسی اعلام دارند. باید امروز در همه جا در میان کارگران، در دانشگاهها، در میان معلمان و بخش های مختلف جامعه همبستگی با این روز بزرگ را شکل داد. به تدارک برپایی تجمعات اعتراضی برای این روز رفت. و در این روز رساتر از هر وقت فریاد زندانی سیاسی آزاد باید گردد، اعدام نه را بلند کرد. واقعیت اینست که هم اکنون ما در میان کارگران، در میان معلمان، در میان دانشجویان شاهد جنب و جوش های اعتراضی علیه سرکوبهای رژیم هستیم. کارگران شرکت واحد هر روز با مراجعات خود و با تجمعاتشان برای آزاد کردن دستگیر شدگان ۹ اوت ابراهیم مددی، داود رضوی و همایون جابری و نیز برای آزادی منصور اسانلو تلاش دارند. کارگران در سنندج با به حرکت انداختن طوماری اعتراضی برای آزادی

کسی از یک شرکت اخراج بشود در شرکت دیگر کاری برایش وجود ندارد. از طرفی چون ستاد مدیریت این خودرو سازها در یک جا مستقر می باشد (وزارت صنایع)، شیوه به کارگیری آنها از کارگران تقریباً یکسان است. مثلاً اگر ایران خودرو از کارگران پیمانکار استفاده می کند این دستور در تمام صنایع خودرو سازی اجرا می شود. با توجه به این مسایل و از طرفی افزایش تورم و بحران بیکاری، مبارزات کارگران را به چالش کشانده است و ما شاهد یک درگیری هر روزه کارگران با این وضعیت هستیم. *

محمود صالحی و منصور اسانلو و برای لغو احکام زندان برای دستگیر شدگان اول مه سنندج در جنب و جوش هستند. معلمان با تجمعات اینجا و آنجا خود خواهان لغو احکام زندان و اخراج برای همکاران خود تلاش دارند. دانشجویان خواهان آزادی فوری دانشجویان زندانی هستند. و در همه جا اعتراض به دستگیریها جریان دارد. روز ۷ سپتامبر میتوانند روی باشد که همه این اعتراضات را به هم پیوند دهد. و یک قدرتمندی بزرگ در برابر تهاجم رژیم اسلامی در برابر مبارزات مردم باشد. روز هفت سپتامبر باید بیانگر پیام کارگران، پیام معلمان و پیام کل جامعه به این رژیم باشد که میگوید دیگر اجازه نمیدهد رهبران و سخنگویان اعتراض زندانی و تحت فشار قرار گیرد. میگوید، اعتصاب، تجمع، تشکل حق ماست و ما برای آزادی و برابری مبارزه میکنیم. میگوید زندان نه، اعدام نه، زندانی سیاسی آزاد باید گردد. این وظیفه فعالین رادیکال و چپ کارگری است که سازماندهی یک همبستگی وسیع و گسترده با فراخوان هفت سپتامبر را در دستور خود گذارند و با قدرتی هر چه بیشتر به استقبال یک روز مهم و تاریخی برویم. *

مثال کارگران فولاد سازی اصفهان به راحتی از شرکتها خودرو سازی دیدن می کنند و فرهنگ کاری این شرکتها را با خود به شرکت فولاد انتقال می دهند. برای همین کارگران این صنایع اکنون از اوضاع همدیگر با خبر هستند و وابستگی این شرکتها را آنچنان افزایش داده است که هر موضوعی دامن همه کارگران را می گیرد. به این معنی که توقف تولید در ایران خودرو، مساوی با توقف تولید در همه شرکتها قطعاً سازی است و برای همین بیکاری در یک شرکت، مساوی با بیکاری در همه شرکتها است. خطر بیکاری در چنین ابعادی، البته باعث می شود که کارگران قدرت چانه زنی خود را از دست بدهند. چون می دانند اگر

ضربات فرقه‌گراها...

از صفحه ۱

کارگری در ایران هستند. این جریان در چند نمونه مشخص خود را مستقیماً در مقابل تلاش‌های کارگران و فعالین کارگری دیده‌اند. چنان فرقه‌ای هستند که آنجائی هم که حضور دارند، حتی حاضر به اتحاد عمل در موارد بسیار ابتدائی مانند برگزاری مراسم اول ماه مه‌ها هم نیستند! قبلاً در "کارگر کمونیست" شماره ۴۶ به این موضوع پرداختیم؛ که توجه به آن برای فعالین کارگری خالی فایده نیست.

در پائین به چند نمونه از خرابکاری و فرقه‌گرایی این جماعت اشاره می‌کنم.

۱) "کمیتة هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری" که طراح اصلی آن محسن حکیمی است، عملاً در مقابله با "کمیتة پیگیری ایجاد تشکل‌های آزاد کارگری" شکل گرفت. بهانه "کمیتة هماهنگی..." این بود که در بیانیه اعلام موجودیت "کمیتة پیگیری..." از وزارت کار جمهوری اسلامی برای ایجاد تشکل کارگری اجازه خواسته شده است. فعالین "کمیتة هماهنگی..." هیچ وقت گامی برای راه درست گذاشتن جلوی فعالین چپ "کمیتة پیگیری..." برنداشتند. انگار بل گرفته‌اند. گرچه با انتقاد و بحث و تبادل نظر فعالین چپ و دلسوز جنبش کارگری، آن بند اولیه از بیانیه اعلام موجودیت "کمیتة پیگیری..." حذف شد و فعالین گرایش راست، که زیر فشار همان‌ها آن بند آنجا گنجانده شده بود، این کمیتة را ترك کردند، اما هدف "کمیتة هماهنگی..." تلاش برای ایجاد تشکل کارگری نبود. هیچ فعال چپ کارگری نمی‌تواند از جمع فعالین کارگری در کمیتة ای برای غلبه بر پراکندگی کارگران خشنود نباشد؛ منتها "کمیتة هماهنگی..." از همان اولین بیانیه خود هدفش را

را هم توسط خواننده به خود جلب نمی‌کند. ما در ادبیات خود برای این محافل، بخصوص طرفداران اتحاد "همه با هم" توضیح دادیم که سکتاریسم یعنی اینکه فردی و یا حزبی منافع خود را بر منافع طبقه کارگر ترجیح بدهد. مجبور شدیم در هر مقطعی این مقوله را از نو برایشان توضیح بدهیم. برایشان مثال آوردیم. تجارب مبارزات کارگران در کشورهای دموکراسی غربی را نشانمان دادیم. در هر دوره استعمال کنندگان این واژه با عقب نشینی از بحث‌های عقب‌مانده خود از بیرون رفته، اما در جاهای دیگری از پنجره وارد شدند. طرفداران بحث‌های عقب مانده محسن حکیمی، گرچه از در دیگری وارد شده‌اند، اما در نهایت همانند گروه اول به استقلال طبقه کارگر و نزدیک شدن فعالین این طبقه به حزب خودشان و همچنین تلاش برای تحزب‌یابی کارگران را تخطئه می‌کنند.

در این یادداشت کوتاه وارد تعریف مجدد این مقوله نمی‌شوم. لزومی هم ندارد. مرغ این‌ها يك پا دارد. فقط باید توجه توده کارگران را به عملکرد این جماعت جلب کرد؛ اعمالشان را زیر نورافکن قرار داد و امیدوار بود که بخش‌های متوهمشان متوجه اشکال کارشان بشوند.

در مقابله با دسته دوم (طرفداران نظرات آنارکونیستی «anachronistic» محسن حکیمی)، با افرادی طرف بودیم که با اینکه هر عملشان مستقیماً در برابر منافع طبقه کارگر بطور اعم و تشکل‌ها و آکسیون‌های کارگری بطور اخص قرار گرفته‌اند، اما بیشترین استعمال کننده کلمه "فرقه‌گرایی" بوده‌اند. جماعت معروف به "گرایش لغو کار مزدی" یا همان طرفداران نظرات محسن حکیمی، معرف حضور فعالین جنبش

تقابل با "کمیتة پیگیری..." اعلام کرد. فعالین کارگری این جمع را بعنوان يك تشکل و نهاد دلسوز کارگری، که به آنچه اعلام کند وفادار باشد، جدی نگرفتند. این صرفاً يك حکم نیست. اگر امروز به ارزیابی طرفداران و فعالین این جمع نگاه کنید، غیرمستقیم حکم بالا را گاهی با همان صراحت بیان می‌کنند. این جمع دچار بحران شد و در عمل به دو نهاد، غرب کشور و غیرغرب کشور تقسیم گردید.

۲) یکی از نمونه‌های آشکارتر قرار گرفتن در مقابل تلاش کارگران برای تشکل‌یابی، تلاش آشکار "فعالین لغو کارمزدی" بر علیه "سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه" بود. با بهانه‌ی واهی اینکه این سندیکاست و بدیل ما "تشکل ضد سرمایه داری" است، و اینکه منصور اسانلو سندیکالیست و غیره است کارگران را نه تنها به پیوستن به آن فرخواندند، بلکه حتی تلاش جهانی کارگران در ۱۵ فوریه ۲۰۰۶ را تخطئه کرده و کلی علیه آن روده درازی کردند. کار بجائی کشید که دو تن از بنیانگذاران "کمیتة هماهنگی..."، محمود صالحی و علیرضا خباز مجبور شدند مصاحبه‌ای بر علیه این موضوع‌گیری محسن حکیمی و "فعالین لغو کارمزدی" اش بگیرند.

بعد از ۹ اوت امسال هم شاهد مطلبی از فرهاد رحیمی، یکی دیگر از افراد این جمع، هستیم که نه تنها تلاش جهانی ۹ اوت امسال و ۱۵ فوریه پارسال را تقبیح و تخطئه کرده است، بلکه حتی سعی کرده است در این ببحوحه و در چنین شرایطی، "حساب" محمود صالحی را از منصور اسانلو جدا کند! طوری که انگار تلاش برای آزادی محمود صالحی به کارگر ربط دارد و برای منصور اسانلو خیر! این دیگر هیچ ربطی به نقد ندارد. بلکه صرفاً يك ضربه حساب شده با نام رادیکالیسم به پیشروی جنبش کارگری است.

يك هدف دارد. اینکه ایشان از این تشکل استعفا داده و دیگران هم هیئت مدیره این تشکل ریاست‌طلب هستند! شما هم استعفا بدهید. این بدترین و حقیرترین نوع سکتاریسم است؛ حتی اگر ایشان سکتاریسم را در "نقد نو" ده بار هم تکفیر نکنند. قرار نیست هر جمعی که با ما و نظرات ما بخواند و یا اینکه ما با دیگر اعضای آن تشکل میانه‌خویی نداشته باشیم، فراخوان انحلالش را بدهیم. این همان برخوردی بود که برهان دیوارگر، علیرضا ثقفی و کاظم فرج الهی با "کمیتة پیگیری..." کردند.

جنبش کارگری مجبور است راه خودش را برود. راه برگشتی برایش نمانده. کسانی که اصرار دارند بر علیه آن بایستند، در باره خود هر چه بگویند و فکر کنند، چه خود را راست بدانند و چه چپ، جنبش کارگری مجبور است از آنها عبور کند. توصیه من به کسانی که مشغولشان واقعاً جنبش کارگری و کارگر است، این خواهد بود، با غولی که از شیشه بیرون آمده، طرف نشوند. اگر نمی‌خواهند و نمی‌توانند منشاء خیری باشند، شر مرسانند!

۳) نمونه سوم و آشکار سکتاریسم فعالین این جمع، "توضیح" بهزاد سهرابی در رابطه با استعفاي خود از "اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار" بود. او از اعضای "کمیتة هماهنگی... غرب کشور" است و اتفاقاً در مجمع عمومی اولیه "اتحادیه سراسری..." هم به عضویت هیئت مدیره این تشکل انتخاب گردید. ما دلیل اینکه چرا ایشان تصمیم به استعفا از این تشکل را گرفتند نمی‌دانیم. اما ایشان در نامه‌ای حکمی را بر علیه "اتحادیه..." داده‌اند مبنی بر اینکه: "... این خود نمونه‌ای دیگر از ریاست‌طلبی و عدم درک واقعی از يك تشکل کارگری است." غیرمستقیم همین کلمات را در شماره ۱۸ مجله "نقد نو" تکرار می‌کنند: "رهبران عملی باید با دید کارگری و بر اساس مبرم‌ترین نیازهای طبقاتی به دور از هرگونه سکتاریسم و ریاست‌طلبی، به کار آگاه‌گرانه و عملی بپردازند و با حذف تمامی مناسبات غیرکارگری ایجاد تشکل‌ها را در دستور کار قرار دهند."

"توضیحات" بهزاد سهرابی چیز زیادی را "توضیح" نمی‌دهند. منتها

آدرس تماس و مشخصات فنی کانال جدید به

این شرح است:

۸	ماهواره هات برد
۱۲۳۰۳	فرکانس
۲۷۵۰۰	سیمبل ریت
۳/۴	اف ای سی
(Vertical)	پلاریزاسیون عمودی

سایت کانال جدید:

آدرس تماس:

<http://www.newchannel.tv>

kanaljadid@yahoo.com

tv.anternasional@yahoo.com

تلفن تماس:

۰۰۴۴۷۹۰۴۴۱۳۵۲۵ و ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

رسانه ها و جنبش آزادیخواهی در ایران

اکبر پویا فر از ایران

جامعه ایران ملتهب است و در شرایط حساس و تاریخی ویژه ای قرار دارد. طبقه کارگر و مردم تحت حاکمیت یک رژیم متوحش و بربر اسلامی علیرغم شدیدترین سرکوب ها و جو پلیسی کوتاه نیامده و مرعوب نشده اند. حکم به سرنگونی آن داده اند.

جمهوری اسلامی از بدو روی کار آمدنش قلم ها را شکست. کتاب سوزان راه انداخت که در یکی از همین کتاب سوزان ها کودکی در لهیب شعله های آتش سوخت و جزغاله شد. روز نامه ها را توقیف کرد. نویسندگان و هنرمندان را قلع و قمع کرد. هر کس را که نوشته ای را خوانده بود یا شعاری بر دیوار مینوشت با مرگ و زندان و شلاق جواب داد. دانشگاهها را بخون کشید و میخواست با توسل به خشن ترین روشها برای همیشه این جامعه را خفه کند. بقای سرمایه را تضمین کند و زنان را به بند بکشد. و جامعه ای را سازمان دهد که در آن کمترین اعتراضی نباشد.

اما بگواه تاریخ تا کنون جمهوری اسلامی علیرغم گرفتن بیش از صد هزار قربانی در قبر های بی نام و نشان و تهدید دائمی بازماندگانشان و پر کردن زندانها از فعالین کارگری و مردم آزادیخواه و بر پائی طناب های دستجمعی دار بر سر هر کوی و برزن و تعرض به خصوصی ترین مسائل زندگی مردم قادر نشده است این موج عظیم آزادیخواهی و برابری طلبی و سرنگونی طلبی را با روی کار آوردن جنایتکارترین چهره هایش عقب براند و تسلیم کند.

حزب کمونیست کارگری در دل همین اوضاع سیاسی شکل گرفت و تا به امروز پیگیرانه و خستگی نا پذیر نخواستن مردم و آرمانهای

والای انسانی آنها را نمایندگی کرده است.

جنبش انقلابی طبقه کارگر و مردم برای پیشبرد اهداف خود به رسانه ها نیاز داشتند و دارند. مرعوب نشدند. قلم ها را کنار نگذاشتند. صدایشان در گلو خفه نشد و از تمامی ابزارهای رسانه ای از مطبوعات گرفته تا ادبیات کتبی و شفاهی، از مسنجرها تا اس.ام. اس ها، از ویلاک نویسی تا وب سایت ها و مهم تر از همه تلویزیون های ماهواره ای همه را برای پیشبرد اهداف و آرمانهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه بخدمت گرفته اند.

رژیم توحش و بربریت اسلامی اما بیکار ننشسته است. هنوز هم هر روزنامه ای و ویلاک و سایتی را از اپوزیسیون و حتی آنها که خود را مقید به رعایت قوانین شرع و قانون اساسی ضد انسانی آنها میدانند را توقیف میکند. به دادگاه میکشاند و سرکوب میکند. فیلترینگ راه انداخته است. اما باز هم در برابر عزم و اراده میلیون ها انسان زجر کشیده و خواهان آزادی و برابری نتوانسته است کاری از پیش ببرد.

اخیرا "بلوتوث موبایل ها هم مشمول سرکوب شده است. چرا که کارگران و مردم منتظر نمیانند تا رسانه های رسمی و مطبوعات داخلی و یا خارجی و یا "صدا و سیما" بسراغشان بیایند و مسائل و مشکلات و ددمنشی رژیم و نیروهای سرکوبگرش را منعکس کنند بلکه خود دست بکار میشوند. از اعتراضاتشان عکس میگیرند. فیلم خبری تهیه میکنند و بهمدیگر میدهند یا در سایت ها و ویلاک ها میگذارند و یا برای رسانه های برون مرزی و تلویزیون های ماهواره ای و منجمله کانال جدید میفرستند.

بدون اغراق نمیتوانید هیچ

جامعه ای در جهان معاصر مانند ایران پیدا کنید که در آن بطور روزمره و شبانه روزی مبارزات و اعتصابات و اعتراضات کارگری، معلمان و پرستاران، جنبش آزادی و برابری زن، جنبش دانشجویی، جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی و جنبش علیه اعدام و جنبش برای سکولاریسم و علیه مذهب با این وسعت جریان داشته باشد.

یکی از شعارهایی که در این اعتراضات بویژه در اعتراضات کارگری و معلمان و دانشجویان بارها بر تراکت ها و پلاکاردها نقش بست و فریاد زده میشود شعار "رسانه ها انعکاس انعکاس" است. سر بر آوردن این شعار در اعتراضات و تجمعات جنبش انقلابی طبقه کارگر و مردم تاکید و فشار بر رسانه ها و نقش پر اهمیت آن در مبارزه علیه سانسور و فیلترینگ است. از همین روست که حتی جریانات راست درون حکومت هم بفکر ایجاد شاخه کارگری و دانشجویی و زنان و را اندازی ویلاک و سایت افتاده اند.

از آنجائیکه هنوز تکلیف قدرت در جامعه ایران علیرغم به چپ چرخیدن جامعه حل نشده و تعیین تکلیف نشده است. و مقوله قدرت سیاسی برای جنبش های اجتماعی باز است. هیچ رسانه خبری و هیچ جریانی اعم از چپ و راست قادر نیست از بالای سر جامعه پر جنب و جوش و فضای ملتهب ایران بدون انعکاس خواست ها و مطالبات و اعتراضات مردم بجان آمده عبور کند. بویژه اینکه امروز دیگر در ابعاد وسیعی مردم به کامپیوتر شخصی و یا کافی نت ها دسترسی دارند و یا از طریق تلفن و فاکس از رسانه ها و مدیا در جهت دور زدن فیلترینگ و مانع سانسور استفاده

میکند.

همین اواخر با فراخوان مجامع کارگری جهانی کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری (ITUC) و فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (ITF)، و کمیته همبستگی بین المللی حزب کمونیست کارگری و سایر احزاب و سازمانهای کارگری در روز ۹ اوت (۱۸ مرداد) برای آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی دوتن از فعالین کارگری که در زندان بسر میبرند در بیش از سی کشور جهان و منجمله ایران تظاهرات وسیعی سازمان داده شد و در کانون توجه خبری اکثر رسانه ها قرار گرفت. امروز دیگر هیچ رسانه ای نمیتواند موج گسترده اعتراضات جنبش انقلابی کارگران و مردم را نادیده بگیرد و سانسور کند. آنچه ممکن است اتفاق بیافتد تفسیر نادرست اخبار مبارزات کارگران و مردم است.

یکی از این رسانه های برون مرزی صدای امریکاست که دائما دارد ساعات برنامه هایش را در زمینه های مختلف افزایش میدهد و علاوه بر اینکه از چندین ماهواره صدا و تصویرش را بر روی ایران متمرکز کرده است. همچنین از چند کانال تلویزیونی ماهواره ای سلطنت طلب و راست هم یکی از برنامه هایش را پخش میکند. اینها با هدف معماری افکار عمومی در ایران و برای رسیدن به مقاصد خودشان ناگزیرند در مقابل این موج عظیم آزادیخواهی و برابری طلبی سر تعظیم فرود آورند. حتی همین اواخر برنامه ای تحت عنوان همبستگی با کارگران ایران تهیه کردند که بخوبی کارگران این برنامه را به تریبون برای انعکاس اعتراضاتشان تبدیل کردند و به افشای رژیم توحش و بربریت اسلامی که ساخته و پرداخته همین

رسانه ها و آیت الله بی بی سی است، پرداختند.

جنبش انقلابی طبقه کارگر و مردم اما اینبار دارند نشان میدهند که این ما هستیم که میگوئیم شما باید چه بگوئید. این ما هستیم که برایتان سناریو مینویسیم و اجازه نمیدهیم مهندسان افکار عمومی شما کلیت رژیم توحش و بربریت و تروریسم اسلامی و نظام سرمایه داری و دم و دستگاه سرکوبش را نجات دهید.

جنبش انقلابی طبقه کارگر و مردم اینبار از خود رسانه دارند. دهها سایت و ویلاک دارند. تلویزیون ماهواره ای دارند. تلویزیون اینترنتیونال صدای حقیقت صدای آزادی و برابری، صدای طبقه کارگر، صدای معلمان پرستاران، صدای جنبش آزادی و برابری زن، علیه حجاب و آپارتاید جنسی صدای آرمانها و آرزوهای میلیون ها جوان است. صدای زندانی سیاسی در بند است. صدای پناهجویان است. صدای سکولاریسم است. صدای مخالفین اعدام این عمل شنیع و ضد انسانی و قتل عمد دولتی است. بانگ رسای لغو احکام زندان و شلاق و سنگسار است. صدای سوسیالیسم و جنبش عظیم کمونیسم کارگری است.

جنبش انقلابی طبقه کارگر و مردم در عین حال که از تمامی رسانه ها بهره میجوید. این صدای رسای آزادی و برابری را، تریبون کانال جدید و تلویزیون اینترنتیونال را تقویت خواهند کرد. برای پایان دادن به عمر ننگین جمهوری توحش و تروریسم اسلامی، برای یک دنیای بهتر و برپائی جمهوری سوسیالیستی.

چهارشنبه ۷ شهریور ۸۶ (۲۹ اوت ۲۰۰۷)

سایت روزنه

www.rowzane.com

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

صفحه بین المللی کارگری

پوروگراسی «کارگری» در خدمت سیاستهای داخلی و

نوشته: لی سیو هین
ترجمه و تلخیص: نادر احمدی
مقدمه مترجم

در نتیجه رابطه استثمارگر و استثمار شونده ای که بین طبقه کارگر و طبقه بورژوازی وجود دارد کارگران و حامیان آنها همیشه دشمنان اصلی خود را در بین سرمایه دارانی می جویند که به طور ملموس و مستقیم و عینی آنها را از حقوقشان محروم می کنند و کمتر به همکاران و هم طبقه ایهای خود که با گزینش آنها به رهبری اتحادیه های کارگری سرنوشت خود رابه دست آنها میسپارند توجه خود را معطوف می کنند. در واقع دولتهای بورژوازی در جهت سرکوب کارگران، از پلیس به عنوان چماق و از رهبران اتحادیه های کارگری به عنوان ابزار دیپلماسی و نان شیرینی استفاده می کنند. اشرافیت کارگری اسب تروا و ستون پنجم بورژوازی در بین کارگران هستند. آنچه آنکه عامه مردم در تمام کشورها هر چند سال یکبار در نمایش های انتخاباتی به پای صندوق های رأی می روند و به دشمنان خود رأی می دهند مزید بر آن کارگران با گزینش رهبران اتحادیه های کارگیری و تفویض قدرت و اختیار خود به آنان، نفوذ بورژوازی را در درون صفوف خود امکانپذیر می کنند. از آنجا که جایگیری افراد در طبقات اجتماعی یک انتخاب نیست بلکه ناشی از موقعیتی است که افراد در آن قرار دارند، مقامات اتحادیه های کارگری با سوء استفاده از قدرتی که کارگران به آنان واگذار میکنند تلاش میکنند تا با خدمت به سرمایه داران ضمن تأمین منافع خود موقعیت مادی خود را نیز تغییر دهند و متأسفانه کارگران آمریکا و بقیه جهان در امر رأی دادن

و گزینش سیاستمداران بورژوا سابقه خوبی ندارند و بطور مثال آقای جان سوینی که بزرگترین اتحادیه کارگری در آمریکا (AFL-CIO) را به ابزاری در دست سازمان سیا و دولت آمریکا برای سرکوب جنبشهای کارگری- انقلابی در سراسر جهان تبدیل کرده است برای مدت بیش از ۱۰ سال پی در پی توسط کارگران به سمت رهبری این اتحادیه بر گزیده شده است گویی که فرد شایسته دیگری در بین ۱۲ میلیون کارگر عضو این اتحادیه برای انتخاب به این سمت وجود ندارد!!

اتحاد نامقدس بین آ ف ال - سی آی او، مرکز همبستگی، ان ای دی، و نو - محافظه کاران

... در کنوانسیون اتحادیه های کارگری (AFL-CIO) در سال ۲۰۰۵ در شیکاگو هزاران نفر از فعالین کارگری تلاش کردند تا در مورد علل شکست رهبری آقای جان سوینی در این اتحادیه کارگری و دریافت رشوه مالی توسط او از مؤسسه ظاهراً خصوصی و بد نام به نام the of Democracy National Endowment (NED) که بودجه آن تماماً توسط دولت آمریکا تأمین می شود و بر ضد دولتهای دیگر همکاری نزدیکی با سازمان سیا دارد، مورد بازخواست قرار دهند. در حالی که مطالب زیادی در مورد رابطه NED با دولت آمریکا در گوشه و کنار جهان منتشر شده است، اما به ارتباط تشکیلات جانبی و وابسته به AFL-CIO به نام «مرکز آمریکایی برای همبستگی بین المللی کارگران» که با نام مختصر Solidarity Center معروف است و وابستگی آن به NED و

همکاری آنها با CIA بر علیه کشورهای ونزوئلا و چین، توجه چندانی نشده است. برای بسیاری از کارگران مشکل است تا ارتباط مخفی بین اتحادیه های کارگری و دولت آمریکا را باور کنند! در پشت پرده، رهبران اتحادیه های کارگری در آمریکا صرف نظر از اینکه چه کسی در قدرت است. از زمان جنگ جهانی دوم تا کنون همواره سیاستمداران نئولیبرال و دولت آمریکا و سیاستهای آن حمایت کرده اند. یکی از نیروهای محرکه ارتباط بین دولت آمریکا و اتحادیه های کارگری، «کمیتته مشورتی در دیپلماسی کارگری (ADLP)» در وزارت خارجه آمریکا است که در دوران ریاست جمهوری بیل کلینتون در سال ۱۹۹۹ ایجاد شد و این تشکیلات از شروع مرحله دوم ریاست جمهوری بوش خیلی فعالتر شده است. تشکیلات (ADLP) مشاور رئیس جمهور و وزیر امور خارجه آمریکا در امور کارگری است. علاوه بر John Sweeney رهبر کنونی AFL-CIO که عضو کمیته مرکزی NED نیز هست دیگر اعضای رهبری NED شامل شناخته شده ترین افراد نشو کنسرواتیو و راست افراطی و ضد کمونیست مثل آقای: Thomas R. Donahue (این فرد از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۵ رئیس خزانه داری AFL-CIO بوده است و به خاطر وابستگی او به تشکیلاتهای کارگری ضد کمونیستی معروف است) آقای Ray Marshall علاوه بر عضویت در کمیته نظامی AFL-CIO عضو مرکزیت تشکیلات League for Industrial Democracy (LID) که یک تشکیلات نئوکنسرواتیو و ضد کمونیست است نیز می باشد. آقای John Joyce عضو مرکزیت تشکیلاتی به نام: «دوستان دمکراسی در آمریکای مرکزی» است که وظیفه آن مبارزه با انقلابیون در آمریکای مرکزی و بخصوص ساندنیستها در

نیکاراگوئه بود. در ضمن آقای Ray Marshall و آقایان: Frank P. Doyle، Anthony G. Freeman، William Lucy و غیره همه اینها از رهبران اتحادیه های کارگری و عضو AFL-CIO در آمریکا هستند و برای تأمین منافع سرمایه داران و به شکست کشاندن تلاشهای کارگران در آمریکا و بقیه جهان در صفوف کارگران به دشمنان آنان یعنی سرمایه داران خدمت می کنند!!

امپریالیسم کارگری

اتحادیه عظیم کارگری AFL-CIO و دیگر اتحادیه های کارگری آمریکایی در طول تاریخ موجودیت خود همواره همکار وفادار سازمان سیا و شرکتهای چند ملیتی بوده اند و به آنها در سرنگونی دولتهایی که با رأی مردم انتخاب شده اند و استقرار دولتهای دیکتاتور و تقویت جریانهای ضد کارگری در سراسر جهان و پیشبرد سیاستهای نژادپرستانه و ضدیت با کارگران مهاجر در داخل آمریکا کمک کرده اند.

وقتی که آقای Sweeney در سال ۱۹۹۵ به رهبری AFL-CIO رسید قول داد تا ارتباط این تشکیلات را (که بیش از ۱۲ میلیون کارگر عضو دارد) با سازمان سیا، قطع کند و در سال ۱۹۹۷ تشکیلات «مرکز همبستگی را در جوار AFL-CIO ایجاد کرد تا به اصطلاح به همبستگی جهانی کارگران کمک کند اما این تشکیلات جدید خود به ابزاری در دست سازمان سیا تبدیل شد و در کنار دیگر تشکیلاتهای راست افراطی مانند CRIE - IRI، NDI - مبالغ هنگفتی از NED دریافت می کند. این چهار تشکیلات یعنی: the Solidarity، Center، (IRI)، (CIPE)، (NDI) مثل دوران جنگ سرد ترکیبی از تشکیلاتهای کارگری و راست افراطی ضد کمونیست می

باشند و در حالیکه ماسک چپ لیبرال را بر چهره خود دارند اما هدف نهایی آنها مقابله با جنبشهای کارگری مترقی و دفاع از منافع کمپانیهای غارتگر چند ملیتی در سراسر جهان می باشد. تشکیلات کارگری «مرکز همبستگی» پول دریافتی از NED را صرف نفوذ ایدئولوژیک در دیگر تشکیلاتهای کارگری، گروههای ضد گلوبالیزیشن در آمریکا و کمیتهای بین المللی کارگری که در آن اهداف سازمان سیا و دولت آمریکا نهفته است می کند. برای نمونه روزنامه New York Times' در مقالهای به قلم Christopher Marquis نوشت که در جریان کودتای سال ۲۰۰۲ بر علیه آقای چاوز در ونزوئلا، NED مبلغ ۳۷۷,۱۵۴ دلار به تشکیلات کارگری مرکز همبستگی ساخته و پرداخته آقای Sweeney داد تا به تشکیلات کارگری مخالف آقای چاوز در ونزوئلا به نام «کنفدراسیون کارگران ونزوئلا (CTV)» پرداخت شود که رهبر این اتحادیه به نام Carlos Ortega ضمن داشتن ارتباط با سرمایه داران حامی کودتا به نام Pedro Carmona Estanga اعتصاب و قطع صادرات نفت در ونزوئلا را سازماندهی کرد. روزنامه Times در تاریخ ۱۱ مارس ۲۰۰۴ در مقاله ای به قلم Juan Forero نوشت که قبل از سازماندهی کودتا در ونزوئلا NED مبلغ ۳۵۰۰۰ دلار به تشکیلات مرکز همبستگی که ساخته آقای Sweeney میباشد و دفاتر بین المللی احزاب دمکرات و جمهوریخواه در آمریکا پرداخته بود تا صرف آموزش احزاب ونزوئلانی طرفدار آمریکا به نامهای: Copei، و اتحادیه کارگری CTU union که مخالف دولت آقای چاوز در ونزوئلا بودند شود. برخلاف عملیات مخفیانه بر

زنده باد اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران!



محمود صالحی باید فوراً و بدون قید و

شرط از زندان آزاد شود

آخرین اخبار در مورد وضعیت محمود صالحی در زندان

صبح روز پنجشنبه ۱۳۸۶/۱/۶ با دیدن این شرایط ناچاراً محمود صالحی را در حالیکه دست و پایش را بسته بودند و تحت تدابیر شدید امنیتی به اورژانس بیمارستان توحید سندانج انتقال دادند. اما علیرغم اسرار پزشکان معالج زندانبان رژیم پس از مداوای جزئی محمود صالحی را دوباره به زندان مرکزی شهر سندانج برگرداندند.

تجمع معلمان خمینی شهر در اعتراض به احکام زندان و

اخراج و تبعید برای معلمان

روز یکشنبه چهارم شهریور ماه جمعی از معلمان شهرستان خمینی شهر با حضور در اداره آموزش و پرورش شهرستان نسبت به احکام صادره همکارانشان اعتراض کردند. در این تجمع اعتراضی محمد خاکساری و بدایق از اعضای شورای مرکزی کانون صنفی معلمان نیز حضور داشتند. در این تجمع معلمان معترض خمینی

تجمعات اعتراضی معلمان حق التدریس در مقابل مجلس اسلامی

روز دوشنبه ۵ شهریور حدود ۶۰ نفر از معلمان حق التدریسی استانهای فارس و اصفهان در اعتراض به برگزاری آزمون استخدامی وزارت آموزش و پرورش در مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند. تجمع اعتراضی معلمان حق التدریس برای روز دوم در مقابل مجلس ادامه دارد. این معترضین که بی‌شتر آنها زنان بودند با شعارهایی خواستار رسیدگی به مشکلات خود شده و خواهان جوابگویی به خواستههایشان بودند. تجمع کنندگان پلاکاردی در دست داشتند که بر روی آن نوشته شده بود: "استخدام بی‌آزمون حق مسلم ماست".

تحت فشار این اعتراضات چند نفر از نمایندگان ناگزیر به میان معلمان آمدند و ضمن وعده رسیدگی به خواست معلمان، آنها را به مراجعه به مراجع دولتی و تصویب لایحه ای در

۱۹۶۴ ادامه داد. در سال ۱۹۶۲ با تشکیل AFL-CIO این تشکیلات برای دخالت هر چه بیشتر در امور امریکای لاتین، "انستیتوی امریکایی برای تحولات آزاد کارگری AIFLD" را ایجاد کرد و AFLD در سال ۱۹۶۴ همزمان با دخالت در آسیا و آفریقا، برای موفقیت کودتا در برزیل در سال ۱۹۶۴ و در شیلی در سال ۱۹۷۳ نقش مؤثری ایفا کرد. در سال ۱۹۶۴ "مرکز کارگری آفریقا-آمریکا" را ایجاد کردند تا بر علیه مبارزان ضد تبعیض نژادی فعالیت کند. در سال ۱۹۶۷ با تأسیس "انستیتوی آزاد کارگری آسیا-آمریکا" ضمن فعالیت در کره جنوبی و فیلیپین از دولت فردیناند مارکوس در سرکوب مخالفان حمایت می‌کردند.

AFL-CIO بطور سنتی حامی حزب دمکرات آمریکا است و در انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری، برای تقویت کاندیداهای حزب دمکرات، علاوه بر کمک لجستیکی پول حق عضویت کارگران را صرف هزینه های تبلیغاتی کاندیداهای حزب دمکرات می‌کند.

اتحادیه‌های کارگری در این دو شرکت هر سال از تاریخ تأسیس شرکت در سال ۱۹۸۷ برای دستیابی به مطالباتشان به استثنای یک سال دست به اعتصاب زده اند و به این جهت معروف به میلیتانت بودن هستند. همچنین کارگران شرکت هیوندای در روز جمعه پیشنهاد شرکت برای افزایش حقوق ۵.۴ درصدی را نپذیرفتند، چون آنها خواهان ۸.۹ درصد اضافه دستمزد شده بودند. آنها همچنین خواهان تقسیم ۳۰ درصد از سود شرکت با کارگران هستند. هم اکنون احتمال این می‌رود که کارگران در بخشهای مختلف شرکت دست به یک اعتصاب هماهنگ بزنند.

مدیریت شرکت همواره به بهانه بالا رفتن قیمت مواد خام و رقابت در بازار تولید اتومبیل از بالا بردن دستمزدها و پرداخت پاداش خودداری کرده است.

بوروکراسی «کارگری» در خدمت... از صفحه ۸

آغاز نشده بلکه در حقیقت با تأسیس اتحادیه کارگری AFL با ریاست Samuel Compress در اوایل قرن بیستم آغاز شد. AFL در تحولات ضد انقلابی بر علیه انقلابیون زاپاتیست در سالهای ۱۹۱۰-۱۹۳۰ مشارکت فعال داشته و ضمن حمایت فعال از مشارکت دولت آمریکا در جنگ دوم جهانی، هدایت محافل ضد بلشویک و ضد انقلاب اکتبر در هیأت هاگمه آمریکا را به عهده داشته است. بعد از خاتمه جنگ دوم جهانی و در جریان جنگ سرد فعالین AFL در سالهای ۱۹۴۰ به تضعیف کمونیستها در ایتالیا و فرانسه می‌پرداختند و با حمایت مالی سازمان سیا و شرکت در تجارت مواد مخدر هزینه های خود را تأمین می‌کردند. در امریکای لاتین از طریق همکاری با ORIT (سازمان منطقه ای ضد کمونیست در امریکای لاتین) و ICFTU (فدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد) فعالیتهای خود را برای سرنگونی دولت گواتمالا در سال

ضد دولت ونزوئلا، دشمنی رهبران اتحادیه های کارگری با چینی ها علنی و آشکار است و آنها به جای ترویج همبستگی جهانی کارگری بر ضد شرکتهای چند ملیتی، از انتقال کارخانه ها به کشورهای ارزان جهان سوم که باعث بیکار شدن کارگران در آمریکا می شود حمایت میکنند و در مقابل کارگران مهاجر را مسبب بیکاری کارگران بومی امریکایی قلمداد می کنند.

AFL-CIO و تشکیلات جانبی آن که یک فدراسیون عظیم متشکل از انواع اتحادیه های کارگری در بخش های مختلف صنعت و خدمات می باشند با داشتن ۱۲ میلیون عضو از کارگران آمریکا و حتی کانادا در دوران جنگ سرد به عنوان بازوی عملیاتی سازمان سیا نقش مهمی در حمایت از دیکتاتورهای نظامی و ساقط کردن دولتهای مخالف آمریکا در امریکای جنوبی و بقیه جهان بر عهده داشتند.

"Labor imperialism" با تأسیس AFL-CIO در سال ۱۹۵۵ داوود رفاهی

اعتصاب کارگران پالایشگاههای نفت در هندوستان

بیش از ۴۵ هزار تن از کارگران پالایشگاههای مؤسسه نفت هند و ۱۲ مؤسسه دیگر که به دولت تعلق دارد روز سه شنبه ۲۱ اوت برای افزایش دستمزدهایشان بمیزان ۱۰ درصد دست از کار کشیدند. اعتصاب این کارگران که یک سوم کل تعداد کارگران پالایشگاهها را در بر می‌گیرد باعث اختلال در کار ۱۷ پالایشگاه از تعداد ۱۹ پالایشگاه شد. آخرین اعتصاب آنها ۷ سال پیش بود که باز هم بمنظور افزایش دستمزد صورت می گرفت. کارگران موقعی کارهایشان را از سر گرفتند که این مؤسسات موافقت کردند ۱۲۰ هزار روپیه (۳ هزار دلار آمریکائی) بعنوان پیش پرداخت به کارگران پرداخت کنند و در

ملاقاتشان با وزیر نفت راجع به افزایش دستمزد به توافق برسند.

۲۷ اوت ۲۰۰۷

اعتصاب کارگران قراردادی در کارخانه ماشین سازی کیا کره جنوبی

روز جمعه ۲۴ اوت اعتصاب کارگران قراردادی کارخانه کیا (Kia) باعث تعطیلی کامل بزرگترین کارخانه تولیدی کیا که در نزدیکی شهر سول واقع شده است، گردید. کارگران خواهان افزایش دستمزد و بهبود وضعیت کاری خود هستند. کارگران دائم نیز که در اتحادیه متشکل هستند، پس از هفته ها اعتراض و اعتصاب موقت، موفق به دریافت افزایش دستمزد به میزان ۵.۲ درصد شدند.

۳۸.۶ درصد کارخانه کیا به شرکت هیوندای Hyundai تعلق دارد که ششمین شرکت تولید کننده ماشین در جهان بشمار میرود.

قاتلین محترم!...

از صفحه ۱

بسیار مشکل است ولی باید گفت و نشان داد که کارگران در سرتاسر کره زمین با جان خویش بازی میکنند و جان بر سر سود سرمایه دار میگذارند؛ و اگر زنده بمانند آنچه از ایشان باقی میماند تنی رنجور و بیمار است در صورتی که به سن بازنشستگی برسند. آنچه من شاهد بودم بطور میانگین بیشتر از دو یا سه سال دوام نمی آورند و میمیرند اگر هم زنده بمانند با حقوق بازنشستگی که دولت اسلام در نظر دارد که آنهم جای اما اگر زیادی دارد آیا بدهد یا ندهد، روزگار را به سختی میگذرانند.

اما حادثه در سایپا؛ دو حادثه در طی یک هفته در ماه گذشته در شرکت سایپا رخ داده است که یک کارگر را شدیداً مجروح ساخته و حادثه دیگر منجر به قتل کارگر پرس کار شده است. در حادثه اول در سالن تست مخازن خودروهای دو گانه سوز کارگری به هنگام تست مخزن گاز، پاهایش پر از ترکش شده است بر اثر ترکیدن مخزن؛ این مخازن از چین وارد شده، این مخازن هیچ گونه علامت استاندارد ندارد. چون تقاضا برای خودروهای دو گانه سوز زیاد است شرکت سایپا مناقصه میگذارد و ارزان ترین پیشنهاد برنده میشود که یک شرکت چینی است. مخازن از ایتالیا وارد

درز نکند که چگونه به گودال قتل گاه کارگران نگویند بخت تبدیل شده است. تازه این خبرها برای این در رسانه های بورژوازی غرب منتشر میشود که با سرمایه داران چینی رقابت شدیدی دارند و برای بی آبرو کردن رقیب منتشر میکنند. صدای آمریکا در یک شب دو خبر پخش کرد یکی از معدنی در ایالت یوتا آمریکا که بر سر معدنچیان آوار شده بود و صدای آمریکا از قهرمانی یکی از کارگران بازنشسته گفت که در عملیات نجات جان باخته است و هیچگونه اشاره ای نکرد که چرا آن معدن بر سر کارگزارانش ویران شد، بلکه آن قهرمانی را بزرگ کرد که بگوید که کارگران در آمریکا پذیرفتند کار در معدن این چینیین خطرناکی دارد و جانشان را برای هم میدهند در واقع برای سرمایه میدهند، و بلافاصله خبری از یک معدن ذغال سنگ در چین گفت که بر اثر آب گرفتگی همه کارگران در آن مدفون شدند و اشاره شد این معدن سابقه قبلی داشته و همچنین یادآوری کردند سالانه چندین هزار نفر در معادن چین کشته میشوند و دولت چین هیچ خیالش نیست.

در همان روز من خبری را شنیدم که عمق فاجعه چنان عظیم بود که اول باور نشد. تصویر کردن آنچه بر سر یک کارگر کارخانه سایپا آمده برای من

میشده که گویا جوابگوی نیاز تولید نبوده و شرکت سایپا چون با تقاضای روزافزون خودروهای "پراید" گاز سوز مواجه شده است و فرصت را غنیمت دانسته ارزانترین و بی کیفیت ترین مخزن را انتخاب کرده است. این اولین حادثه از این نوع بوده و متأسفانه باید منتظر ماند دید این گونه خودروها بعداً در دست مردم چه فجایعی ایجاد خواهد کرد. کمالینکه شرکت ایران خودرو یک نمونه "پژو ۴۰۵" تولید کرده که بر اثر ایراد در قسمت موتور آن تا سال گذشته که نیروی انتظامی قضیه را برملا کرد ۴۵۰ تن بر اثر آتش گرفتن خودبخودی ماشین کشته شده اند. و از زمانی که شرکت ایران خودرو معترض شده است که چرا گفتید؟! هیچ گونه خبری از فجایع نمی دهند.

حادثه دوم بسیار دهشتناک بوده. کارفرما (شرکت سایپا) برای بالا بردن تولید تمام سیستمهای ایمنی دستگاههای پرس غول پیکر تولید بدنه خودرو را از کار انداخته تا سرعت دستگاه بالا برود، کارگر بخت برگشته هفته قبل از حادثه یک انگشت دست خود را در پای همان دستگاه از دست داده بوده و برای اینکه کارش را از دست ندهد بعد از دو روز سرکار حاضر شده است. در موقع حادثه قطعه کار گیر کرده و بیرون نیامده کارگر چون دستش نرسیده نیمه تنه خود را اریب وار داخل دستگاه میکند تا قطعه کار را

بیرون کشد چون حساس گر های دستگاه قطع بوده دستگاه بلافاصله راه افتاده و کارگر در میان دو تای قالب پرس شده است. شدت حادثه بقدری بوده که به قالب آسیب شدیدی وارد شده است. توجه داشته باشید که این دستگاه پرس ورقهای کمتر از یک میلیمتر را شکل میدهد. اکثر کارگران قسمت سالن پرس سایپا با دیدن حادثه از هوش میروند. کارفرما مزدورانش را فوری اجیر کرده و حادثه را سهل انگاری کارگر گزارش میدهند که کارگران قسمت با دیدن و شنیدن گزارش کارمند مربوطه را شدیداً مضروب ساخته و کارفرما بلافاصله اعلام میکند که مقصر قطع سیستم ایمنی بوده و خسارت کامل به بازمانده گان داده خواهد شد و دوباره تمام سیستمهای ایمنی دستگاه را برقرار میسازند. و صد البته دل چرکین هستند چون سرعت دستگاه شدیداً به حساب ایشان افت کرده تا کی دوباره تصمیم جنایت کارانه اشان را به اجرا گذارند.

این گونه حوادث قتل عمد است. دستگاهی عظیم که در هر ضرب چندین تن فشار وارد میکند تا ورق فلزی شکل بگیرد دارای سیستمهای ایمنی است تا حداقل خود دستگاه آسیب نبیند. اما کارفرمایان در کمال خونسردی سنسورها را از کار میندازند. ایشان میدانند ممکن است

هر لحظه اتفاقی بیفتد، اما اصلاً به روی مبارک خود نمی آورند و دستگاه مانند یک تله مرگ میشود تا جان انسانی را بگیرد. هنگام حادثه هم بسیار خونسرد و با بی شرمی تمام مدعی هم میشوند که: "دستگاهمان آسیب دید! مگه عقل نداشت که نباید اینجوری رفت تو دستگاه! در نظر داشته باشید هیچ گونه ابزاری در اختیار کارگر نمیگذارند تا در هنگام این اتفاق قطعه مربوطه را بیرون بکشد و اگر خود دنبال ابزار باشد یقه اش را میگیرند: امروز تولید دستگاه دو تا قطعه کمتر بود، باز سر به هوا بودی! حالا وقتی جرمه شدی میفهمی قطعه گیر کردن یعنی چه؟"

اینها قانلند و باید محاکمه شوند. قتلهای آرام و بی سروصدای ایشان در هیچ مطبوعاتی از جنس خودشان قتل محسوب نمی شود تا به قاتل عنوان ژورنالیستی مانند "خفاش شب" یا "گرگ پاکدشت" و یا "بیجه لوزیان" بدهند تا حسابی افکار عمومی را علیه شان تحریک کنند. بلکه این کارفرمایان "محترم" قلمداد میشوند و هر جا میروند بالای مجلس جایشان است به عنوان یک "مرد موفق". باید این "مردان موفق" را بیپای میز محاکمه کشاند که برای کسب سود عاملاً زمینه قتل انسانهای زحمتکش را فراهم میکنند.*

کرمانشاه را بهر شکل که میتوانند بیان دارند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۸ شهریور ۱۳۸۶ - ۳۰ اوت ۲۰۰۷

سایت کارگران

www.kagaran.org

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

التیماتوم کارگران شرکت اتوبوسرانی کرمانشاه به کارفرما

یکشنبه در توقفگاه اتوبوسرانی کرمانشاه واقع در میدان آزادی (کاراژ) اجتماع کرده و اتوبوسها را خاموش نمودند. کارگران به شورای شهر کرمانشاه یک هفته جهت رسیدگی به خواستههای خود مهلت داده و خاطر نشان کردند که در صورت عدم پاسخ به مطالباتشان، اعتصابشان را از سر خواهند گرفت. حزب کمونیست کارگری از اعتصاب کارگران شرکت اتوبوسرانی

می رسید شامل افزایش دستمزد، پرداخت بدون تعویق دستمزدها، پرداخت حق لباس سال های ۸۴ و ۸۵ که هنوز پرداخت نشده است، بازنشستگی مطابق قانون کارهای سخت و زیان آور، بیمه فراگیر و دائم و بازگشت به کار جهانیخش توکلی، یکی از نمایندگان معترض کارگران اتوبوسرانی که توسط شورای شهر از کار معلق گردیده بود، می شد. بنابه همین گزارش کارگران صبح روز

همچنانکه روز ۵ شهریور، برابر با ۲۷ اوت به اطلاع رسانندیم، کارگران شرکت اتوبوسرانی کرمانشاه در اعتراض به پرداخت نشدن سه ماه دستمزدشان دست به اعتصاب زدند. طبق اخبار مشروح تری که در این خصوص در منتشر شده است، روز یکشنبه ۴ شهریور ۸۶، کارگران اتوبوسرانی کرمانشاه و حومه دست به اعتصاب زدند. مطالبات کارگران که تعداد آنها به بیش از ۶۰۰ تن

زنده باد سوسیالیسم

با اعتراضی جهانی تهاجم رژیم اسلامی به کارگران و به کل جامعه را عقب برانیم نامه کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران به سازمانها و اتحادیه های کارگری جهان

تاریخ: ۲۳ اوت ۲۰۰۷

به سازمانها و اتحادیه های کارگری جهان

دوستان عزیز،

از اقدام جهانی شما در روز ۹ اوت عمیقاً باید قدردانی کرد. این اقدامات هرچند به آزادی محمود صالحی و منصور اسانلو منجر نشد، اما پشتوانه مهمی برای جنبش کارگری ایران، و برای رهبران کارگری است که دائماً در معرض تهدید و دستگیری و اذیت و آزار جمهوری اسلامی قرار دارند. ما تردیدی نداریم که با گسترش این اقدامات جمهوری اسلامی مجبور به عقب نشینی میشود و جنبش کارگری در ایران قدم مهمی به جلو برمیآورد.

حتماً در جریان هستید که جمهوری اسلامی در ماههای اخیر بر شدت سرکوب کارگران و مردم معترض در ایران افزوده است. این سیاست که در تمام ۲۸ سال گذشته جریان داشته است، در شرایط کنونی اساساً به منظور مقابله با موج اعتراضات مردم و اعتصابات و

تجمعات فزاینده کارگران و به منظور عقب راندن فضای اعتراضی در جامعه میباشد. حکومت قصد دارد مردم را مرعوب کند. بدین منظور چوبه های دار را در اکثر شهرها دایر کرده و در هفته های اخیر دهها نفر را در ملاء عام اعدام کرده است. دستگیری ها را گسترش داده، شلاق و شکنجه را برای زندانیان سیاسی و رهبران کارگری در دستور قرار داده است. به اقدام جهانی ۹ اوت دهن کجی کرده و تعداد دیگری از رهبران کارگری را نیز به دادگاه کشانده است تا سازمانهای کارگری و افکار عمومی مردم جهان از اقدامات خود مایوس شوند و احساس بیهودگی کنند و از صحنه خارج شوند. اما جمهوری اسلامی بدلیل بحران همه جانبه اقتصادی و سیاسی و تنفر عمومی مردم ایران و انزوای جهانی موقعیت بسیار شکننده ای دارد و اقدامات جهانی از نوع ۱۵ سپتامبر سال قبل و ۹ اوت امسال بسیار موثر است و فشار قابل توجهی بر جمهوری اسلامی است.

لازم است به اطلاع برسانیم که

وحشت رژیم از فرا رسیدن اول مهر:

احکام قضایی علیه معلمان محکوم است!

صادر شده از جمله عبارتست از:

- علیرضا هاشمی دبیر کل سازمان معلمان ایران در تازه ترین حکم خود به اتهام تحریک معلمان به اعتصاب تجمع و تحصن و اخلاص در امنیت کشور به ۳ سال حبس تعزیری محکوم شده است. وی پس از گذراندن ۱۹ روز زندان انفرادی در اسفند و فروردین ماه ۸۵ و ۸۶ به ۲ سال تبعید به شهری و ۳ ماه انفصال از خدمت محکوم شده بود.

- علی پورسلیمان مسئول کمیته تشکیلات سازمان معلمان پس از گذراندن ۱۹ روز بازداشت انفرادی در اسفند و فروردین ۸۵ و ۸۶، به ۲ سال تبعید به شهرستان اسلامشهر و ۳ ماه انفصال از خدمت محکوم شد.

- محمد داوری مسئول اطلاع

تنها در فاصله چند هفته گذشته جمهوری اسلامی اقدامات زیر را علیه رهبران کارگری عملی کرده است:

- روز ۹ اوت، همزمان با اقدام جهانی برای آزادی محمود صالحی و منصور اسانلو، ۵ نفر از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد به اسامی ابراهیم مددی، یعقوب سلیمی، ابراهیم نوزدی گوهری، سید داوود رضوی، همایون جابری و دونفر دیگر به نامهای طاهر صادقی و فاطمه حاجیلو به اتهام دست زدن به تجمع، دستگیر شدند. سه نفر از این دستگیر شدگان در روزهای ۲۱ و ۲۲ اوت از زندان آزاد شدند و ۴ نفر دیگر به اسامی ابراهیم مددی، یعقوب سلیمی و سید داوود رضوی و همایون جابری در زندان اوین در بند ۲۴۰ به سر می برند.

- شیث امانی رئیس اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار و صدیق کریمی عضو هیئت مدیره این اتحادیه به اتهام "اخلال در نظم عمومی"، اقدام علیه امنیت ملی"، جمع آوری کمک مالی برای خانواده محمود صالحی، عضویت در اتحادیه سراسری کارگران

رسانی سازمان معلمان پس از گذراندن ۱۹ روز بازداشت انفرادی در اسفند و فروردین ۸۵ و ۸۶ به ۳ ماه انفصال از خدمت محکوم شده است. دادگاه بعدی او هنوز تشکیل نشده و قرار است به دادگاه احضار شود.

- آقایان نادر قدیمی به ۵ سال تبعید به خراسان جنوبی، یوسف زارعی سه سال تبعید به استان ایلام، هادی غلامی یکسال انفصال از خدمت، یوسف رفاهیت کسر دو گروه برای مدت ۲ سال، عبدالرضا عمادی از اصفهان تبعید به استان مرکزی، رحمتی از شهرضا تبعید به استان مازندران، حمید مجیری از اصفهان اخراج از کار، محمود بهشتی، علی اکبر باغانی، حمید پوروشوق، محمدمتقی فلاخی، محمدرضا رضایی و رسول بداتی از تهران انفصال از خدمت، مختار دوستی نیا، عبدالصاحب ناصری، مهدی مومنی و علی رحیمی از ایلام انفصال از خدمت

اخراجی و بیکار، ارتباط با حزب کمونیست کارگری ایران و حزب کمونیست ایران و ... به دو سال و نیم زندان محکوم شدند.

- ۱۱ نفر دیگر از مسئولین این اتحادیه: خالد سواری، اقبال لطیفی، یدالله مرادی، طیب ملانی، فارس گویلیان، صدیق امجدی، عباس اندریاری، حبیب الله کلکانی، محی الدین رجبی، طیب چتانی و صدیق صبحانی در تجمع اول مه در شهر سنندج دستگیر و به اتهام "اخلال در نظم عمومی" به ۹۱ روز زندان و ۱۰ ضربه شلاق محکوم شدند.

برای جلوگیری از گسترش مجدد اعتراضات معلمان که با شروع مدارس در ماه آینده شروع میشود، تعدادی از فعالین معلمان، به دادگاه کشیده شده اند. علیرضا هاشمی دبیر کل سازمان معلمان به اتهام تحریک معلمان به اعتصاب، تجمع و تحصن و "اخلال در امنیت کشور"، به ۳ سال حبس تعزیری محکوم شده، سیدهاشم خواستار و هادی لطفی نیا از فعالین معلمان مشهد با اتهامات مشابهی،

محکوم شده اند.

- روز چهارشنبه ۲۴ مرداد سیدهاشم خواستار و هادی لطفی نیا از فعالین کانون معلمان مشهد تحت عنوان تشویق معلمان به اعتراض، تحصن و تجمع، تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی، تبلیغ برای نهضت آزادی مشهد قرار است محاکمه شوند.

- ایرج تویبهای نجف آبادی از سوی هیئت بدوی سازمان آموزش و پرورش خراسان رضوی تحت عنوان تعطیلی کلاس های درس، تحریک معلمان به تحصن و تجمع، تشویق همکاران به نشست در مدارس و سازمان آموزش و پرورش مشهد متهم شد و بنا به ادعای حراست ناحیه ۶ آموزش و پرورش مشهد گفته شده است که ایشان به رئیس ناحیه توهین کرده و باید ظرف مهلت ۱۰ روزه فاعیه خود را به حراست ارائه کند.

این احکام جزئی از تلاش سبعانه رژیم برای بقا است که با موجی از زندان،

محاکمه شده اند و از ایرج تویبهای نجف آبادی خواسته شده است که ظرف ده روز فاعیه خود را به اداره حراست (سازمان انتظامی حکومت در کارخانجات و محیط های کار برای کنترل کارگران) ارائه کند.

و بالاخره محمود صالحی علیرغم وضعیت جسمی وخیم بعد از ۵ ماه و منصور اسانلو پس از یکماه از ربوده شدن همچنان در زندان بسر میبرند.

دست همکاری شما را میفشاریم و انتظار داریم به اقدامات خود در دفاع از طبقه کارگر و مردم ایران شدت بیشتری بدهید. اقدامات شما موجب روحیه نوینی در میان مردم و بویژه طبقه کارگر شده است. ما به سهم خود برای بسیج افکار عمومی جهانی در این زمینه همه تلاش خود را بکار میبریم و تردیدی نداریم که جمهوری اسلامی را به کمک شما به عقب خواهیم راند.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگری کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران هماهنگ کننده شهلا دانشفر

اعدام، سنگسار و شکنجه و دستگیری و تهدید و فشار بر فعالین کارگری، دانشجویی، معلمان و حملات هر روزه اوپاش اسلامی به زنان و جوانان در سطح شهر همراه بوده است. حزب کمونیست کارگری همه مردم آزاده و همه سازمان های کارگری و سازمانهای مترقی را فرا میخواند تا به احکام جمهوری اسلامی علیه معلمان اعتراض کنند. ما همه معلمان و دانش آموزان و خانواده های آنها را فرا میخوانیم تا برای بازگشایی مدارس و موجی قدرتمند از اعتراض برای گرفتن خواست های معلمان که خواست همه ما است، مهیا شوند. ما همچون گذشته برای پیروزی معلمان تا به آخر در کنار آنها خواهیم بود.

زنده باد اتحاد و همبستگی مرگ بر جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ مرداد ۸۶ - ۱۹ اوت ۲۰۰۷

کارگران نیشکر هفت تپه جمهوری اسلامی را عقب راندند

گزارش زیر را داوود عزیزی، خبرنگار حزب کمونیست کارگری و یکی از کارگران شرکت نیشکر هفت تپه روز ۵ شهریور به حزب ارسال کرده است.

متعاقب اعلام کارگران نیشکر هفت تپه طی نامه‌ای اعتراضی به سازمان جهانی کار ILO و التیماتوم به دولت و کارفرما مبنی بر اینکه چنانچه به خواسته‌ها و مطالبات

کارگران فوراً عمل نشود از روز دوشنبه پنجم شهریور ماه وارد اعتصاب و تحصن نامحدود خواهند شد. روز جمعه دوم شهریور ماه پرداخت یک ماه حقوق معوقه کارگران آغاز شد و تا روز شنبه سوم شهریور ماه ادامه یافت. اکنون کارگران حقوق مرداد ماه را نیز طلب دارند. دولت و کارفرما قول دادند که بزودی حقوق مرداد ماه را بپردازند. آنها همچنین وعده دادند که به سایر خواسته‌های کارگران

رسیدگی خواهند کرد. اقدام عجولانه وزارت کشاورزی و مدیران شرکت در پرداخت یک ماه حقوق عقب افتاده کارگران برای جلوگیری از اعتصاب کارگران صورت گرفت. کارگران خواستار پرداخت فوری دستمزد مرداد ماه شدند.

موفقیت ۵ هزار کارگر نیشکر هفت تپه در عقب راندن جمهوری اسلامی نشان داد که تنها با اتحاد و همبستگی طبقاتی و مبارزه و میتوان از شر شرایط جهنمی و

فضای سرکوب و بیحقوقی در جامعه خلاص شد و رژیم را وادار به پذیرش خواسته‌ها و مطالبات سیاسی و رفاهی هر چه بیشتری کرد.

گفتنی است که کارگران شرکت نیشکر هفت تپه از ابتدای سال تا کنون ۱۵ بار دست به اعتصاب زدند. آخرین اعتصاب کارگران ۲۱ خرداد ماه بود. یکی دیگر از خواسته‌های کارگران کوتاه کردن دست مافیای شکر است. آستان

قدس رضوی و حداد عادل رئیس مجلس از وارد کنندگان عمده شکر در ایران هستند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۶ شهریور ۱۳۸۶ - ۲۸ اوت ۲۰۰۷

مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه وارد مرحله دیگری شده است

کارگران شرکت نیشکر هفت تپه که از اوایل سال ۱۳۸۵ تاکنون برای رسیدن به مطالباتشان حدود ۱۵ بار اعتصاب کرده و دست به تحصن زده‌اند، اخیراً در نامه‌ای به رئیس سازمان بین‌المللی کار، ILO، اعلام کرده‌اند که در صورتی که به مطالباتشان رسیدگی نشود، روز پنجم شهریور دست به اعتصاب خواهند زد. کارگران اعلام کرده‌اند که در این مدت هر بار مسئولان حکومتی وعده داده‌اند که به مطالباتشان رسیدگی کنند، اما وعده‌هایشان توخالی از آب در آمده است. در این خصوص در نامه کارگران آمده است: "در صورتی که تا تاریخ پنجم شهریور ۱۳۸۶ مسئولین شرکت و دولت احمدی‌نژاد نسبت به پرداخت حقوق معوقه ما اقدام ننمایند، دست به تحصن زده و تا دریافت کلیه مطالبات خود دست از تحصن نخواهیم کشید، چون کلیه قول و قرارهای مسئولین شرکت و دولت در خصوص حل مشکلات ما کارگران عملی نشده و نسبت به وضعیت موجود خسته شدیم و تحمل مخارج کمرشکن زندگی همراه با تورم بالا را نداریم."

خواست کارگران در این نامه از جمله: پرداخت حقوق معوقه، پول بن های کارگران، جلوگیری از

فعالیت مافیای شکر، حق داشتن تشکل مستقل، افزایش پرداخت حق بدی آب و هوا و مسکن، حق شرکت کارگران فصلی در انتخاب نماینده گان کارگران و طبقه بندی مشاغل، بازنشسته کردن کارگرانی که دوران بازنشستگی آنها گذشته، تأمین وسائل ایمنی کارگران، اخراج هیأت مدیره کارخانه و نظامی هستند و پایان دادن به تهدیدات، فشارها، پرونده سازی علیه فعالین کارگری این کارخانه اعلام گردیده است.

یکی از کارگران در گفتگویی با رادیو فردا، در خصوص اعتراضات ماه‌های گذشته گفته است: "حدود ۱۵ ماه است حقوق ماهیانه ما بتعویق افتاده و در این مدت بارها به فاصله ۳ تا ۴ ماه هم پرداخت نشده است. در حال حاضر حدود ۲ ماه است حقوق دریافت نکرده ایم." او در بخش دیگری از گفتگوش می‌گوید: "از ماه‌ها پیش جیره غیرنقدی که در گذشته به کارکنان شرکت داده میشد قطع شده است. طرح طبقه بندی مشاغل از ۱۶ سال پیش اجرا نشده است. در صورتی که با اجرای این طرح، هر چهار سال باید به حقوق ما اضافه شود."

کارگران به درست بر جایگاه تشکل مستقل خود تأکید کرده و

گفته‌اند که مراجعه کارگران به مسئولان دولت، نمایندگان مجلس و سایرین تاکنون نتیجه‌ای در بر نداشته و گره‌گشا نبوده است. و گفته‌اند که اگر دارای تشکل مستقل و واقعی خود بودند، این تشکل می‌توانست از حقوق آنها دفاع کند. کارگران همچنین گفته‌اند که "ما اعتقاد داریم که حمایت رسانه‌های گروهی و سازمان بین‌المللی کار می‌تواند به ما برای تحقق خواسته‌هایمان کمک کند."

با این التیماتوم و این نامه به ILO، مبارزه کارگران شرکت نیشکر هفت تپه وارد مرحله دیگری شده است. کارگران برای پیروزی رسیدن به مطالبات خود میکوشند حمایت وسیع تر اجتماعی در داخل و در سطح بین‌المللی جلب کنند. کارگران دیگر فقط عدم پرداخت حقوق بتعویق افتاده معترض نیستند. پایان دادن به تهدیدات علیه فعالین کارگری، خواست تشکل مستقل کارگری، طبقه بندی مشاغل و تأمین وسائل ایمنی و از همه مهمتر اخراج نیروهای نظامی و امنیتی از محیط کار، مطالباتی است که کارگران هفت تپه مطرح میکنند و با انعکاس خبر اعتراض خود جامعه را متوجه اعتراض و خواست های خود میکنند. کارگران

هفت تپه دارند راه نشان می‌دهند. حزب کمونیست کارگری از مطالبات و تلاش های کارگران شرکت نیشکر هفت تپه حمایت کرده و چون همیشه در پخش اخبار اعتراضات کارگران و جلب همبستگی جهانی و داخلی با این مبارزه در کنار آنان خواهد کرد. حزب از همه مردم، بخصوص مردم هفت تپه و منطقه می‌خواهد که کارگران نیشکر را مورد بیشترین حمایت خود قرار بدهند. حزب

کمونیست کارگری کارگران سراسر ایران را به همبستگی فعال با کارگران نیشکر هفت تپه فرامی‌خواند. مبارزه متحد و سراسری، شرط تحمیل مطالباتمان به دولت سرکوب و وحشت جمهوری اسلامی است.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۳ شهریور ۱۳۸۶ - ۲۵ اوت ۲۰۰۷

خواسته های کارگران معترض در کارخانه نیشکر هفت تپه:

پرداخت حقوق معوقه و پول بن های کارگران جلوگیری از فعالیت مافیای شکر حق داشتن سندیکای کارگری افزایش پرداخت حق بدی آب و هوا و مسکن حق شرکت کارگران فصلی در انتخاب نمایندگان کارگران و طبقه بندی مشاغل بازنشسته کردن کارگرانی که دوران بازنشستگی آنها گذشته است تأمین وسائل ایمنی کارگران اخراج هیأت مدیره کارخانه پایان تهدیدات، فشارها و پرونده سازی علیه فعالان کارگری

کارگر کمونیست

را تکثیر کنید و آنرا بدست دوستان و

آشنایانتان برسانید!

کارگران جهان متحد شوید

به حرکت اعتراضی برای آزادی فوری و بدون قید و شرط محمود صالحی، منصور اسانلو، ابراهیم مددی، همایون جابری، داود رضوی و برای لغو احکام زندان برای فعالین اول مه پیوندید



محمود صالحی



داود رضوی



منصور اسانلو



ابراهیم مددی



همایون جابری

امضا کردن این طومار اعتراضی، برپایی تجمعات اعتراضی علیه دستگیر، صدور احکام زندان پاسخی است به تهاجم رژیم به فعالین و رهبران کارگری، باید این تهاجم را عقب زد و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط محمود صالحی، منصور اسانلو، ابراهیم مددی، همایون جابری، لغو احکام زندان برای فعالین اول مه و معلمان معترضی شد که در اعتراضات اخیرشان دستگیر شدند و بعد از آزادی با قید وثیقه اکنون به دادگاه احضار شده و برایشان احکام زندان و تبعید و اخراج صادر میشود. امروز بیش از هر وقت به یک همبستگی وسیع جهانی و پیشبرد یک مبارزه متحد و قدرتمند کارگری نیاز است. باید این همبستگی را وسیعاً شکل داد.

بنا به آخرین خبر دریافتی خوشبختانه آقای یعقوب سلیمی از اعضای هیات مدیره سندیکای شرکت واحد سه شنبه ۲۹ شهریور ساعت ۹ شب از زندان آزاد شدند.



عکس هایی از دستگیر شدگان اول مه سندج هنگام آزادی آنها به قید وثیقه از زندان بعد از اول مه ۸۶

صدیق کریمی و ۱۱ نفر از کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سندج موثر واقع نشود و دادگاه تجدید نظر به لغو احکام صادره مبادرت نماید ما ناچار خواهیم شد به همراه کارگران نساجی کردستان و شاهو... اقدام به برگزاری تجمعی اعتراضی بنمایم.

ما از هم اکنون اعلام میداریم، تبعات ناشی از این تجمع بر عهده کسانی است که بصورت غیر قانونی فرمان حمله به مراسم اول ماه مه در سندج را صادر کرده و در ادامه شیث و صدیق را به زندان و جریمه و یازده کارگر دیگر را به زندان و شلاق محکوم کردند.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار 6/6/1386
www.ettehade.com

باید با تمام قوا به اعتراض علیه احکام زندان برای فعالین کارگری در سندج پیوست. به جریان افتادن طومار اعتراضی کارگران در شهر سندج، یک حرکت اعتراضی مهم است که بطور واقعی مبارزه کارگران برای حقوق پایه ای و مسلم خود حق تشکل، حق اعتصاب، برپایی مراسم اول مه و حقوق برحق خود را بیان میکنند. باید وسیعاً این طومار را امضا کرد. باید عین طوماری را که در میان کارگران در شهر سندج به جریان افتاده است را در شهرهای مختلف در میان کارگران به گردش در آورد و با گذاشتن امضاهای هر چه بیشتر در زیر آن از این حرکت اعتراضی حمایت کرد.

ما کارگران عضو اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار به همراه صدها کارگر کارخانه نساجی کردستان و شاهو...، در برابر این احکام و اجرای آنها سکوت نخواهیم کرد، ما اجازه نخواهیم داد نمایندگان و همکاران ما روانه زندان شوند.

در این راستا اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار به همراه کارگران نساجی کردستان و شاهو که از صدور این احکام در حق نمایندگان و همکارانشان بشدت خشمگین هستند، طی روزهای آینده اقدامات زیر را انجام خواهیم داد.

۱- مراجعه به افکار عمومی از طریق انعکاس هر چه بیشتر مسئله احکام صادر شده در باره شیث و صدیق و ۱۱ نفر از کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سندج

۲- ملاقات با نمایندگان استان کردستان و طرح خواست لغوی قید و شرط احکام صادره در باره شیث و صدیق و ۱۱ کارگر بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سندج

۳- ملاقات با شورای شهر سندج و طرح خواست لغو بی قید و شرط احکام صادره در باره شیث و صدیق و ۱۱ کارگر بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سندج

۴- مراجعه اعضای هیئت مدیره اتحادیه و کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سندج به مجلس شورای اسلامی و ارائه امضاهای جمع آوری شده به این مجلس و طرح خواست لغو فوری احکام صادر شده در باره شیث و صدیق و ۱۱ کارگر بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سندج و همچنین طرح خواست آزادی فوری محمود صالحی و منصور اسانلو از زندان

۵- مراجعه همین هیئت به دفتر رئیس قوه قضائیه و ارائه امضاها و طرح خواسته های فوق با رئیس قوه قضائیه

۶- چنانچه اقدامات فوق در لغو احکام صادره بر علیه شیث امانی و

شده در مراسم اول ماه مه امسال در سندج

شیث امانی، صدیق کریمی، خالد سواری، یدالله مرادی، حبیب الله کله کانی، فارس گویلیان، صدیق امجدی، صدیق صبحانی، عباس اندریاری، محی الدین رجیبی، طیب ملائی، طیب چتانی و اقبال لطیفی هیچ جرمی مرتکب نشده اند، آنان بنا بر بدیهی ترین حقوق انسانی خود و بنا بر سنت طبقه کارگر جهانی در ۱۱ اردیبهشت ماه امسال، اقدام به برگزاری مراسم این روز در مقابل اداره کار سندج کرده اند و این حق مسلم آنان بوده است.

یکسال از صدور حکمی در اداره کار سندج به نفع ۳۲۲ نفر از کارگران نساجی کردستان که شیث امانی نماینده و وکیل قانونی آنان بوده است میگذرد، اما این حکم همچنان مسکوت گذاشته شده است و پس از یکسال به جای این حکم، شیث امانی را به زندان و جریمه محکوم کرده اند.

شیث امانی و خالد سواری در طول سالهای گذشته نماینده منتخب کارگران نساجی کردستان و شاهو بوده اند و در طول این سالها قاطعانه از حقوق کارگران این کارخانه ها دفاع کرده اند. صدیق کریمی و سایر کارگران محکوم شده نیز هر کدام به نوبه خود جزو کارگرانی بوده اند که کاری جز دفاع از حقوق انسانی شان نکرده اند.

صدور احکام زندان و جریمه برای شیث و صدیق و حکم ۹۱ روز بازداشت و ۱۰ ضربه شلاق برای یازده نفر از کارگران در سندج چیزی جز انتقامجویی صاحبان سرمایه و عوامشان از شیث و خالد و دیگر کارگران نیست، با صدور این احکام از یک طرف می خواهند انتقام کارفرمایانی را که چیزی جز سیه روزی برای زندگی کارگران رقم نزده اند از شیث و خالد و صدیق... بگیرند و از طرف دیگر می خواهند کاری کنند که هیچگاه، هیچ کارگری جرات دفاع از حقوق انسانی اش را بر خود ندهد.

بدنبال محاکمه کارگران دستگیر شده اول مه در سندج و صدور احکام زندان و شلاق از سوی دادگاه انقلاب اسلامی برای این فعالین، از سوی کارگران در شهر سندج طوماری اعتراضی به جریان افتاده است. تا کنون ۵۶۳ نفر از کارگران این طومار را امضا کرده اند. در انعکاس خبر این حرکت اعتراضی در سایت اتحاد، سایت اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار توضیح داده شده است که بخشی از امضاها که خوانده نشده است، در لیست آورده نشده است. و اصل امضاهای جمع آوری شده به همراه نامه اعتراضی کارگران به رئیس قوه قضائیه، مجلس شورای اسلامی و شورای شهر سندج تحویل داده خواهد شد.

متن طومار اعتراض کارگران به قرار زیر است:

ما امضا کنندگان این طومار مصرانه خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط محمود صالحی و منصور اسانلو از زندان و لغو احکام صادره بر علیه شیث امانی، صدیق کریمی، یدالله مرادی، خالد سواری، حبیب الله کله کانی، فارس گویلیان، صدیق امجدی، صدیق صبحانی، عباس اندریاری، محی الدین رجیبی، طیب ملائی، طیب چتانی و اقبال لطیفی هستیم.

همچنین در ادامه این حرکت اعتراضی قرار می سوزی هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار در باره احکام شیث امانی، صدیق کریمی و یازده نفر از کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه امسال در سندج و ادامه اعتراض برای لغو این احکام صادر شده است که متن آن را در زیر میخوانید:

قرار مصوب جلسه هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار در باره احکام شیث امانی، صدیق کریمی و یازده نفر از کارگران بازداشت